



۲۰۲۳/۰۶/۳۰

مختصات افغانستان/ بخش محققین و مؤلفین/ احسان لمر

معرفی داکتر «عبدالرحمن محمودی» در قاموس کبیر افغانستان

من فداکارم و جان باختن آیین من است

خدمت توده ای بیتاب و توان دین من است

«داکتر محمودی»

داکتر عبدالرحمن محمودی از اولاده ملا محمود معروف است که مسجد گذر وی در کابل شهرت داشت، او در سال ۱۲۸۸ ش (۱۹۰۹ م) در کوچه تنورسازی شهر کابل زاده شد. پدرش کارمند پایین رتبه دولت بود و پدرکلانش دکان کتاب فروشی داشت. دوران تعلیم را با آنکه با مشکلات اقتصادی زیاد گرفتار بودند موفقانه به پایان رسانید، در جوانی، تلاش می‌کرد تا پدر فقیر را در مخارج زندگی یاری رساند. در این ایام مادرش درگذشت و به گفته پوهاند محمدکامم آهنگ: "چوب فروشی می‌کرد، زغال می‌فروخت و به هرکار مجاز دیگر دست می‌زد تا جبه و دیناری بدست آورد و به وسیله آن کودکان خرد سال بازمانده از مادر مرحومه اش را با تکه نان خشک زنده نگهدارد. تمام لوازم و وسایل قابل فروش خانه پدر را بفروخت تا از پول آن بتواند، برای مدتی شکم های گرسنه خانواده خود را در حد بخور نمیر سیر نماید."¹



با وجود همه این مشکلات، فقر و تنگدستی، وارد فاکولته طب کابل شد. او در سال دوم پوهنتون بود که تخلص محمودی را برای خود برگزید که بعدها، خانواده او با همین شهرت، بلند آوازه شدند. عبدالرحمن محمودی «علوم عربی را طور معمول در مدارس

محلی فرا گرفت و یکی از فارغ التحصیلان دوره های اول فاکولته طب می باشد. هنگامی که بنابر ملالت برای تداوی به ترکیه سفر داشت در اثر جراحی یک کلیه خود را از دست داد. در آن وقت از اوضاع ناگوار سیاسی افغانستان و عدم مراعات حقوق بشردار افغانستان که در همان نزدیکی ها به عضویت آن پذیرفته شده بود رساله نوشته به سازمان ملل ارسال کرد. پس از مراجعت به وطن به امور طبابت پرداخت. وی از داکترانی بود که داوطلبانه برای مبارزه با وبا به اندراب و دور و نواح آن پرداخت و در آنجا با بدبختی مصابین تریاک برخورد و مدت های طولانی به معالجه فیزیکی و روحی مصابین مشغول شد. پس از مراجعت به کابل وی را به هرات فرستادند و در آن شهر پس از فعالیت های زیاد طبیبی و زد و کند ها با مامورین مربوط نسبت به عدم مراعات امور وظیفوی و سوء استفاده ها از طرف سرطیبیب آنجا به مناطق دور دست هرات فرستاده شد و در آن مناطق به غورات هم سفر ها کرده بدبختی های طبی و مشکلات زندگی مردم و محرومیت ها را به چشم سر مشاهده کرده کتابی در زمینه نوشت که در بحث آثارش از آن صحبت می شود. پس از مراجعت از هرات به کابل بحیث رئیس حفظ الصحة مقرر گردید ولی چون پیشنهاد ها و راه های اصلاحی وی بروی کاغذ می ماند و عملی نه می گردید و برای آنها تخصیصیه و بودجه داده نه میشد از کار رسمی صرف نظر کرده به طبابت شخصی و خصوصی پرداخت و پس از آن در امور رسمی کار نکرد. در امور طبی هم سیستم خاص خودش را داشت که در ساحه عقلی و عصبی بکار می برد و به موفقیت خاص درین رشته نایل آمده بود.

¹ - آهنگ، محمدکامم، حماسه‌هایی از قهرمانان سیاست و فرهنگ، کابل: ۱۳۸۲ ش. ص ۶۴.

با احساس پاکی که نسبت به مردم و میهن داشت نمی توانست آنچه در مملکت می گذرد آنها «را نادیده بنگرد. بناء در صحنه سیاست قدم گذاشت، موقعی که کتاب ویش زلمیان جمع و تدوین می گشت مضمون مبسوطی (از وی) در آن کتاب به طبع رسید.

در آن زمان که فیض محمد خان ذکریا بار دوم به وزارت معارف رسید (بار اول در زمان امان الله خان وزیر معارف شده بود) از صدراعظم و اعضای کابینه دعوت کرد تا در سینمای کابل برای شنیدن کنفرانس وی تشریف بیاورند و هم یک فلم جالبی را که نو به کابل رسیده بود تماشا فرمایند. هنگام کنفرانس فیض محمد خان، داکتر محمودی خطابه ای در انتقاد از دولت و سیستم اداری ایراد کرد که مجلس برهم خورد و فلم تماشا نشد و داکتر محمودی برای دو هفته زندانی گردید که وی آن را «مهمانی در قصر صدارت می خواند».²



دکتور محمودی صف دوم نفر دوم دست چپ.

فوتو از وبسایت «دانشنامه اقتصاد و مدیریت» مورخ 15 مارچ 2022

محمودی به زبانهای عربی، ترکی و انگلیسی مهارت و دسترسی کافی داشت و از ادبیات هر سه زبان بدون اشکال استفاده و افاده میکرد و همین باعث شد که با آثار آزادی خواهان برون مرزی هم تا جایی که در دسترس قرار می گرفت استفاده نماید.

سنگر مبارزه محمودی از منبر و قلم شروع تا ستیز و خیابان و تریبون شورا ادامه داشت. در سال (1315 ش - 1936م) که محمدرسول خان پشتون گفتگوهایی را با غلام حسن خان صافی برای مذاکرات با روشنفکران و آزادی خواهان قندهار و مشرقی آغاز نمودند، محمودی به آن دو ولایت مسافرت کرده با آزادی خواهان و روشنفکران آن جا هم مذاکره و تبادل نظر داشت. پس از مراجعت به کابل در فکر کاندید شدن به شورای ملی افتاد بر علاوه صحبت های خصوصی در محضر عام روشن گری ها نمود و در مساجد و خیابانها و پارک ها خطابه ها داد که روز تا روز محبوبیت و علاقه مردم نسبت به وی بیشتر و بیشتر می شد. «باری در تکیه خانه عمومی منبر رفت و برای اولین بار تعریف واقعی و کلاسیک «سیاست» را از زبان داکتر محمودی در آنجا شنیدم که گفت: سیاست سوق الخلق علی مسائل دینهم و دنیا هم». یعنی سیاست راهنمایی و سوق کردن مردم است به کار هایی دینی و دنیایی شان، و سیاست به معنی فریب و نیرنگ و بازی دادن را تقبیح کرد».³

عبدالحمید مبارز، خاطرات نخستین آشنایی و همکاری بعدی خود را با داکتر محمودی چنین بیان می کند: "معاینه خانه ایشان در اندرابی کابل بود، پدرم مریض بود و چون در آن زمان داکتر عبدالرحمن محمودی از لحاظ طبابت بسیار

² - دکتور حسین بهروز - آزاده ای بر بلند ای معرفت و شجاعت - سایت انترنتی آریایی

<http://www.ariaye.com/dari/mahmoodi.html>

³ - همانجا

شهرت یافته بود، پدرم مرا به دنبال داکتر محمودی فرستاد. داکتر محمودی بعد از آن که کار شان تمام شد همراه من به منزل آمده و به معاینه آغاز کرد، سپس با هم صحبت کردند پدرم چون طرفدار سرسخت اعلیحضرت امان الله خان و محمود طرزی بود و به شعر و ... هم علاقه داشت؛ آشنایی آنها به دوستی تبدیل شد. بعد از آن بود که آشنایی ما با داکتر محمودی به یک رابطه فامیلی رسید و زمانی که ایشان مسئولیت اخبار ندای خلق را به عهده گرفت من به حیث خبرنگار همکاری می کردم. ما به حدی باهم نزدیک شدیم که تخلص مرا هم او انتخاب کرد.⁴

در انتخابات دوره هفت ولسی جرگه محمد گل خان مومند می خواست برای شورای ملی خود را از کابل کاندید نماید. در مذاکره که بین وی داکتر محمودی در زمینه صورت گرفت داکتر فقید به صراحت به وی حاکی کرد که: «هنوز زنده اند مردمی که شاهد برخورد های قومی و تبعیضی وی بوده اند و وی که با ذهنیت عظمت طلبانه خویش جز از بدبختی برای اقشار مختلف جامعه چیز دیگری به ارمغان نیاورده و جز کشتار بیحد مردم شمال کار دیگری نه نموده چطور جرئت میکند خود را از کابل کاندید نماید و به کدام حق و حقوق میتواند خود را کابلی به حساب بیاورد، اگر امیدوارست که به زور دولت خود را مانند گذشته به کرسی وکالت هم نصب نماید این موضوع را در صورتی که قوم شریف مهمند قبول فرمایند می تواند از مهمند عملی کند نه از کابل.»⁵

پس از موفقیت در انتخابات کابل برای دور هفتم شورای ملی، حدود 50 وکیل به «جبهه متحد ملی» مرکب از اشخاص مستقل و آزاد و یک دسته نمایندگان احزاب تشکیل شد مانند: عبدالرحمن محمودی - خال محمد خسته - نور علم مظلوم یار از (حزب خلق) - میر غلام محمد غبار - سید محمد دهقان - سخی امین خان دوشی - محمد طاهر خان غزنوی (حزب وطن) گل پاچا الفت - نور محمد پنجوانی (ویش خلمیان) - عبدالحی حبیبی - محمد کریم نژیی و ... که مبارزه در شورای ملی را بر ضد بی عدالتی آغاز نمودند و «واقعاً راه تغییرات عمده ئی را در زندگی داخلی و سیاسی افغانستان گشودند»⁶

محمودی به مسیر دیگر روشنگری هم روی آورد، او اخبار «ندای خلق» را به چاپ رسانید، شهرت و آوازه این نشریه به حدی بود که به کمترین فرصت شماره های آن به فروش میرسد با آنکه به تعداد نسخه های آن پیوسته افزوده میشد باز هم در ولایات نسخه های آن را دست نویس کرده تکثیر می نمودند.

قابل تذکار میدانم که «ندای خلق» دکتور محمودی هیچ پیوند و ربطی به جریده «خلق» جریان دموکراتیک خلق و شخص نور محمد تره کی ندارد آنها صرف از محبوبیت بی انتها آن حزب و جریده سوء استفاده نمودند. محمودی همزمان با جریده شان «حزب خلق» را بنیاد نهاد و مرامنامه حزب را به دست چاپ سپرد. این دو اقدام بدست دولت بهانه داد و جریده «ندای خلق» مصادره گردید.

چاره درد خلق چیست؟

چاره درد خلق مخصوصاً" در زمان بحران در یک مملکت فقط و فقط جمع شدن مردم بدور یک مفکوره سیاسی و سنجیدن راه علاج آلام اجتماعی می باشد و بس- اگر حکومتی با موجودیت بحرانهای سیاسی به تشکیل احزاب قانونی مطابق قوانین دیموکراسی اجازه نه میدهد - گویا به داره ماری ها و اغتشاش رسماً جواز میدهد- امروز ما درد ها و آلام

⁴ - گفتگوی حسینی مدنی با عبدالحمید مبارز سایت دانش نامه آریانا.

⁵ - حسین بهروز

⁶ - غلام محمد غبار - افغانستان در مسیر تاریخ - جلد دوم. جون 1999 ویرجینیا امریکا.

زیاد اجتماعی داریم- هر دسته مردم شکایاتی دارند- هر کس عوامل سیاه روزی و بد بختی خلق را به طبقه ای و علتی منسوب میکند- نظم و نسق زندگی برهم خورده- آرامش ضمیر و طمانینت وجود نداشته- نرخها بلند رفته- احتیاجات زندگی مردم بی جهت و بی تناسب عایدات بالا رفته و میرود- در اخلاق و رسوم و آداب اجتماعی، ضعف انحطاط موجوده زندگی معدوم و خلاصه اساسات زندگی ما در هر رشته به تزلزل دچار شده، اشخاص استفاده جو و منفعت پرست موقع را غنیمت شمرده و به تاخت و تاز ها می پردازند- گویا یک بحران بزرگ اجتماعی سر تا سر مملکت را استیلا نموده و چاره جدی و آنی و جذری بکار دارد- این امر داستان تازه نیست- همه ملل گیتی این مرحله زندگی را پیموده . ما هم خواهی نخواهی این مرحله را باید طی نموده و حتما این بحران را می گذرانیم- اما یگانه چاره درد خلق و راه نجات مملکت به جمع شدن مردم بدور یک مفکوره و خط مشی سنجیده اساسی بوده و البته زمانی که جمعیت و یا حزب مذکور قوت گرفت- قانوناً در انتخابات- حکومت معقولی به اساس مرامنامه خویش تشکیل و قوانین درستی تدوین و برای بدبختی ها و سرگردانی های خویش درمانی یافته و ب تفرقه سرگردانی- تذبذب و ناکامی های اداری و حیاتی خود خاتمه بخشیده و دست منفعت جویان و آشوب طلبان را از دامن پاک جامعه کوتاه می سازند- اینک بر روی همین اساس ما مرامنامه ذیل را مرامنامه (حزب خلق) و مردم را دعوت عام داده و بیاری خدای توانا تا قومی برای نجات و چاره درد های عیدیه خود می پردازیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

مرام نامهء حزب خلق

- 1 - حزب خلق یک حزب ملی است که بر اساسات معلومه دیموکراسی بنا یافته است.
- 2 - تفهیم و تبلیغ دین مبین اسلام را به خلق و اصلاح اعمال را به اساس اسلام یگانه عامل کامیابی و پیشرفت خود میداند.
- 3 - چون حزب یک حزب دیموکراسی حقیقی است فلهاذا برای تامین غایه حقیقی دیموکراسی یعنی حکومت خلق توسط خلق و برای خلق مبارزه می کند.
- 4 - حزب خلق اساس حکومت را متکی بر اصولات دیموکراسی مستند بر یک شورای اساسی و آزاد و محترم و انتخابات آزاد- تامین تعادل اساسی در بین قوای ثلاثه دانست و برای نیل باین آرزوی مقدس و مشروع سعی می کند.
- 5 - تامین عدالت اجتماعی در حقوق و محاکم- رفع مظالم از خلق- تامین یک حیات اجتماعی مأمون و مصون- نشر معارف عمومی- تامین اساسات آزادی فکر- بیان و نشرات- تولید عدالت و اجتماعی در کار و ارتقا و حقوق سیاسی از وظائف اساسی و اولیه حزب است.
- 6 - حزب خلق تمام وظائف اجتماعی خویش را که در ماده پنج متذکر است با نشر قوانین اساسی دیموکراسی و ناشی از افکار عمومی خلق تامین کرده و لذا نشر- ایزاد- تعدیل و اصلاح قوانین و تامین عدالت اجتماعی و مساوات قانونی و سیاسی را توسط قانون از و وظائف مهمه خود می شمارد-
- 7 - فداکاری در راه حفظ تمامیت خاک و ناموس وطن فرض اولیه حزب خلق بوده و با تمام عواملی که این هدف مقدس را تهدید کند مبارزه و جان نثاری را فرض خود می شمارد.
- 8 - حزب خلق وحدت ملی را اساس فرائض خود قرار داده و لذا تمام افرادی را که در حدود سیاسی افغانستان زیست می نمایند بلا تفریق نژاد- زبان و رنگ و پوست همه را یک وجود واحد شناخته و در مقابل قانون دارای حقوق مساوی دانسته و هر گونه امتیاز خواهی و تفوق جوئی را منافی عدالت اجتماعی و اساسات دیموکراسی میداند.
- 9 - حزب خلق کار را یگانه عامل سعادت دانسته بیکاری را ننگ و عار شمرده و لذا برای تولید دستگاه های کار در سر تا سر مملکت- راهنمایی خلق بکار توسط تعلیم و تربیه عصری- تامین عدالت اجتماعی در کار- تامین حقوق کارگر- رفع اسارت و استثمار در ساحه کار- تامین حقوق کارگر در زمان کار و بیکاری و تضمینات اجتماعی در کار توسط

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 4 تر 11

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنيزې ښې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

قانون فرض خود دانسته و پیشرفت در کار و اخذ مقام را مربوط به هیچ نوع امتیاز شخصیت و قومیت ندانسته و بلکه فقط و فقط مهارت و فداکاری و استمداد در کار را اساس پیشرفت و احراز مقامات و مناصب قبول می کند.

۱۰ - حزب خلق بر خلاف تامین منافع فردی دفاع فرد و آزادی فردی نبوده ولی کسانی را که بنام دفاع از حقوق و آزادی فردی به صورت غیر مشروع فعالیت نموده و سعادت فرد و جمعیت را تهدید می نمایند منفعت جو شناخته و به اساس قوانین دیموکراسی بآنها مبارزه و معامله می نماید.

۱۱ - کسانی که با اعمال و رفتار نامشروع کسب جاه و مال کرده و آن را وسیله تحکیم بر خلق سازد و عدا بر خلاف مصالح عمومی کار کند- خائن ملی شناخته و تامین عدالت اجتماعی و استرداد حق در این موارد- حزب خلق فرض اساسی خود می شناسد.

۱۲ - حزب خلق وفا داری خویش را با اساسات دیموکراسی و مشروطیت اسلامی از فرائض خود دانسته و لذا تامین تعادل حقیقی را در بین قوای ثلاثه با تقنین- روشن ساختن حدود حقوقی را در اجتماع و تشریح وظائف دولت و ملت را و جیب خود می شمارد.

۱۳ - اصلاح و تعدیل امور اجتماعی- تامین عدالت اجتماعی در اخذ هر گونه مالیات و محصولات و فعالیت های اجتماعی- تامین عدالت در تطبیق قوانین- عدم قائل شدن به هیچ گونه امتیازات در امور اجتماعی- مالیات و تکالیف عامه اجتماعی، اصلاح جریان امور به نفع خلق از وجایب اولیه حزب است.

۱۴ - آزادی در فعالیت های اجتماعی اساس و فرض اولیه حزب بوده و لذا آزادی در تجارت و کسب صنایع و اتخاذ مسلک را در هر رشته- اساس دیموکراسی قبول نموده و مبارزه با هر گونه انحصارات شخصی و فردی که منافع خلق را تهدید می کند فرض اولیه حزب است.

۱۵ - حفظ روابط حسنه با همسایگان (تا جایی که مخالف حقوق و آزادی و ناموس ملی نباشد) اطاعت به قوانین عامه بین المللی- تامین و اطاعت اساسات اولیه حقوق بشر (تا جایی که با قوانین دین مبین اسلام مخالف نباشد) و همکاری در راه صلح و سلم عمومی را حزب خلق از فرائض اولیه خود شمرده و از هر گونه همکاری در این راه دریغ نخواهد نمود.

۱۶ - تامین آزادی و حقوق طبیعی بشر یعنی مصونیت حیات - مسکن- مرادات- آزادی فکر و بیان و نشرات و آزادی در فعالیت های اجتماعی را اصل حقیقی و فطری حساب نموده و لذا هر گونه تجاوز را باین حقوق فطری .. بشر- استبداد و تجاوز شمرده و مبارزه با هر گونه رای و عمل را فرض اولیه و اساس فعالیت حزبی حساب می کند.

۱۷ - تشکیلات حزب - و وظائف شعبات مرکزی و ولایاتی- نشر- اصلاح و تعدیل قانون اساسی تشکیلات اساسی دولت- قانون انتخابات- قانون تفریق وظائف مامورین- قانون کار و کارگر و عملی ساختن آنها و تامین عدالت اجتماعی در هر ساحه توسط قانون از وظائف اساسی حزب خلق بوده و به اساس جریانات معلومه دیموکراسی تامین میشود.

۱۸ - دخول در زمره اراکین حزب به اساس پابندی به اخلاق حزبی یعنی فداکاری در راه تامین وظیفه، رشادت، ثبات اخلاقی در راه نشر و تفهیم اساسات اسلامی و حزبی و دیموکراسی و تامین حقوق عامه حاصل شده و دیگر نوع امتیاز و ترقی را حزب مخالف عدالت اجتماعی حساب می کند.

۱۹ - قانون وظائف داخلی حزب- شرایط قبول در اراکین حزب- اخطار و تهدید و حتی اخراج از حزب- تعیین اراکین حزب و تشکیلات آن با استشاره مجلس عمومی حزب به عمل آمده و اطاعت اساسات آن وظیفه هر فرد است.

۲۰ - هر فردی که دارای تابعیت افغانی بوده باشد به شرطی که در سوابق آن اساسات حقوق عامه چیزی نباشد .. امتیاز داخل حزب شده می تواند.

۲۱ - سن افرادی که شامل حزب میشود باید از هجده کم نباشد.

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 5 تر 11

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

۲۲ اشخاصی که داخل حزب خلق می شوند بایست ماهوار مبلغ ده افغانی جهت تقویه و پیشبرد امور حزبی تادیه نمایند- کذا خرید یک سهم از اسهام صحنه ای خلق نظر حتمی است.

تبصره - اشخاص فقیر و نادار به صوابدید هیئت منتخبه مستثنی خواهند بود.

۲۳ - اصلاح - تعدیل - حذف و یا ایزاد مواد به مرام نامه هذا به کثرت ارای مجلس عمومی حزب مربوط است (ولی هیچ ماده که منافی حقوق و آزادی عامه و یا وحدت ملی و یا خلاف دیانت اسلام و تهدید به حدود سیاسی افغانستان باشد طرح و قبول شده نه می تواند).

۲۴ - افرادی که در حزب خلق داخل می شوند به کلمات ذیل قسم یاد می کنند:

من بنام خدای پاک و ناموس سوگند یاد می کنم که به تمام مواد اساسنامه حزب خلق صادق بوده و برای پیشبرد امور حزبی از هیچ گونه فداکاری دریغ ننمایم و در صورت خروج از حزب نیز اسرار حزب را محفوظ نگاهدارم و الله- بالله - طلا.

کسانی که آرزوی دخول در حزب خلق را داشته باشند هر روز برای مراسم تحلیف در اداره جریده ندای خلق در جاده میوند از ساعت ۳ الی ۷ بعد از ظهر مراجعه فرمایند». 7

وقتی آن جریده تحت فشارهای شدید سانسورچیان قرارگرفت، محمودی ابتکاری به خرج داده و "به رسم اعتراض در شماره ۱۴ «نداء خلق» (۲۶ ثور ۱۳۳۰) اکثر مقاله‌ها را ناتمام به چاپ رسانیده، بخش‌هایی از صفحات را سفید می‌گذارد و جملات ذیل را نشر می‌کند که از لابلای آن‌ها می‌توان به گوشه‌ای از سختی‌ها و زحماتی که محمودی و دیگر آزادی‌خواهان رشید وطن ما برای دفاع از آرمان‌های شان با آن مواجه بودند، پی برد:

".... چون مبارزه برای حق مظل امنیت و وحدت ملی تعبیر شده و بااساس ماده ۱۴ قانون مطبوعات نامه مصادره، نویسنده پنج سال طرد و چهار ماه عایدات جریمه میشود پس از نوشتن چیزی بیشتر درین مورد معذرت می‌خواهیم"

* * *

".... وقتی ما در هر رشته عنان صحبت را بدست گرفتیم مواجه بیکی از بندهای قانون مطبوعات شدیم و معتقدیم خود این شماره بهترین معرف قانون مطبوعات باشد. ولی باز هم هموطنان ما متیقن باشند که ما بمبارزه پاک و مقدس نشراتی خود مانند سابق دوام خواهیم داد."

* * *

"پولداران بی سرمایه: درین مورد اسناد و شهود و گفتنی های زیادی داریم ولی میترسیم نوشته ما را بااساس ماده ۱۵ خرافات و جزای آن را ۱۵ روز عایدات و بااساس ماده ۲۰ تعرض بشخصیات تلقی نموده و نویسنده را به ششماه حبس محکوم سازند فلذا این حرف ما را به تقدیم معذرت واداشت...."

* * *

"خبرهای مهم و مکتوب های خاص و عجیب و اسناد موثق برای نشر بدست داریم ولی قضاوت های شخصی و انفرادی و خوف ماده ۲۰ و ۲۴ و ۱۷ ما را اکنون از نشر آن بازداشته و اکنون خوانندگان گرامی میل دارند روی ما می‌خندند و یا بحال ما گریه می‌کنند...."

* * *

7 - مرامنامه حزب خلق - جریده ندای خلق - سال اول شماره 29 ، 16 سرطان 1330ش - 08 سپتمبر 1951 م.

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 6 تر 11

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

"کاریکاتور مرتبه ما دزد ملیونر نام داشت ولی خوف ماده ۲۰ ما را از نشر آن بازداشت.... پس از هموطنان گرامی خود تقاضا میکنیم حسب میل و مطابق ذوق خویش کاریکاتوری درین صفحه رسم نمایند..."⁸

فایل پی دی اف شماره 14 جریده "ندای خلق"

http://www.hambastagi.org/new/images/pdf/neda-e-khalq_no14.pdf

دکتور اکرم عثمان طی مصاحبه گفته بود که: «..... محمودی از هرگونه امکانات استفاده میکرد تا از اوضاع ناگواری افغانستان مجامع بین المللی را آگاه بسازد و از آزادی های مختلفی که در اعلامیه حقوق بشر تثبیت گردیده است و در افغانستان وجود ندارد از راه جوامع حقوقی بر دولت فشار آید تا آن آزادی ها و قوانین را بپذیرد و مرعی الاجرا بدارد. موقعی که استاد سعید نفیسی برای کنفرانس های تاریخ ادبیات در کابل تشریف داشتند و ضمناً نمایندگی جوانان جهان بدوش شان بود و کارت های آن مجمع را با خود آورده بودند. داکتر محمودی رساله مفصلی در زمینه جوانان جهان و محصلین افغانستان که از همه حقوق و آزادی ها محروم هستند نوشته به سعید نفیسی داد و در چند مجلسی که ما با او در خانه رحمانی داشتیم و عده ای از محصلین پوهنتون در آنجا اشتراک کردند کارت عضویت جوانان جهان را امضا کردیم و هم مقدار پولی را که داکتر محمودی و ما جمع آوری کرده بودیم همدست استاد نفیسی به انجمن جوانان جهان ارسال کردیم.»⁹

وی در ادامه می نویسد: "در باره باور سیاسی و جهان بینی شادروان دکتور عبدالرحمن محمودی سخن فراوان رفته است. (اما)، آنچه در موردش اتفاق نظر وجود دارد این است که او یکی از تاثیر گذار ترین، صادق ترین، راست گو ترین و دلیر ترین چهره های سیاسی معاصر افغانستان است."

ادعایی که محمودی «مانویست» بود مطلقاً جهل و دروغ است زیرا در زمان محمودی، مانویسم اصلاً منحبث یک اینفولوژی عرض اندام نکرده و در چین تازه انقلاب شده بود و شخص مانو و حزب شان مکتبی بنام مانویسم نداشتند.

داکتر محمودی در وجود آوردن اولین اتحادیه محصلین سهم بزرگی داشت، پیوسته با محصلین و جوانان در تماس بود. چنانچه شادروان دکتور حمایت الله خان اکرم عضو کمیته ادبی اتحادیه تذکر دادند که دکتور محمودی فقید در اکثر کنفرانسهای اتحادیه شرکت و سخنرانی نموده به بیداری جوانان می پرداختند.

پس از پایان دوره هفتم شورا، مقدمات انتخابات دوره هشتم سر براه شد، عکس های محمودی و غبار در بازار ها پخش گردیده بود و اسم هر دوی شان بر سر زبان ها بود و اهالی کابل یقین داشتند که دو نفر وکیل آنها محمودی و غبار بدون کدام مشکل انتخاب خواهند شد ولی میر غلام محمد غبار و داکتر محمودی محمد رسول پشتون و دهها تن دیگر بدون جرم و حکم محاکم عدلی و ثبوت گناه در (9 جولای 1952 م) به غل و زنجیر و کوتاه قلفی زندان ها افتادند.

عبدالحمید مبارز، می نویسد: "داکتر محمودی یکی از چهره های دیگری بود که تازه ولی برق آسا در بین شهریان کابل تبارز کرد و هم شهریان کابل، او را به حیث یک طبیب دلسوز و لایق می شناختند ولی بعد از این که بیانییه سیاسی فیض

⁸ - نوید نابدل - مبارزه عبدالرحمن محمودی در برابر سانسور دولتی - 29 دلو 1392، www.hambastagi.org

⁹ - نصیر مهرین - به بهانهء انتشار دو نیشته از شادروان دوکتور عبدالرحمان محمودی - سایت گفتمان 23 جنوری 2007.

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 7 تر 11

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

محمد زکریا وزیر معارف را در تالار سینما کابل قطع کرد و انتقاد شدید را از رژیم به عمل آورد، بیش تر در محافل شناخته شد.

دکتر محمودی از حقوق اصناف بیشتر دفاع می‌کرد و این سبب شد که نام جریده را ندای خلق و حزب مربوطه آن را به نام خلق مسمی سازد. دکتر محمودی از اوضاع و نیازهای مردم خود برداشت درستی داشت و می‌خواست تا روزی حکومت از سلطنت جدا شود و نظام شاهی مشروطه و دموکراسی پارلمانی در کشور به طور واقعی برقرار گردد.

داکتر محمودی یک طبیب بسیار دلسوز بود و مردم خود را دوست داشت با انگلیس ها مخالف بود. محمودی یکی از شخصیت های سیاسی افغانستان در دموکراسی اول می باشد که اگر افکار وی فرصت تطبیق می یافت یک جامعه عادلانه به وجود می آمد و فجایی که در پایان دوره دموکراسی دوم صورت گرفت هرگز تحقق نمی یافت.¹⁰

به نقل از دیپلوم انجینیر امرالدین خان شنبسب و میر محمد صدیق فرهنگ، یک محصل فاکولته طب بنام **محمد حسن شرک** که عضو "اتحادیه آزادی پشتونستان" بود داکتر محمودی را اختطاف نموده قصد ترور او را داشت که موفق نکرید. در این رابطه دکتور بهروز می نویسد در یکی از روز های تابستان (1330 ش - 1951م) : «من که عادتاً طرف عصر به معاینه خانه می بودم داکتر اکثراً مرا با خود به دیدن مریض ها می برد. این بار ساعت دو بعد از ظهر کسی با نهایت اصرار و التجا که مریضش در حال مرگ است داکتر را راضی می سازد که وی با موترش به کارته شاه شهید برود. در عرض راه راننده در حالیکه باید به طرف شاه شهید حرکت کند برخلاف کول چمن راه می افتد. داکتر از وی می پرسد که چرا به این راه می رانی وی به جواب می گوید که بعضی از دوستان را از راه می گیرم، داکتر موضوع را درک میکند. موقعی که موتر توقف می کند و مهمان های ناخوانده می خواهند به موتر داخل شوند داکتر از دروازه دیگر خارج شده به طرف چمن از جوی جست می بردارد و به روی سبزه های چمن می افتد. جنایت کاران با کش و کوک و کلک زدن می خواهند وی را دوباره به موتر ببرند. داکتر با فریاد به جوان های که در چمن مشغول فوتبال بودند حالی میکند که وی داکتر محمودی است و اینها جنایت کاران هستند، جوانها به عجله به طرف داکتر صاحب می دوند و جنایت کاران با موتر فرار می نمایند. ایشان گادی کرایه کرده داکتر صاحب را به خانه مشایعت مینمایند. بعد ها شنیده می شد پلان چنین طرح شده بود که داکتر را در قتل برسانند و در سرحد پاکستان بیاندازند و اشعار بدارند که به طرف پاکستان نژاد دوست باز مانند، خود عبدالجی حبیبی، فرامیکرد و به وسیله مرزبانان به قتل رسانیده شده است.

«دکتر محمودی با تمام توانائی در طب و سیاست مقام اجتماعی و محبوبی که در بین مردم داشت شخصا مرد شکسته نفس، عاری از خود خواهی و کبر و غرور بود. صراحت لهجه اش را سدی در پیش نبود و شهامت بیانش را مانعی سراغ نمیشد. وی در شنیدن نظر معقول دیگران از خورد و بزرگ تواضع سرشار نشان میداد و در پذیرش آن مشتاق بود و بر همه اعتماد کامل و یک رنگ داشت و یکی را بر دیگری امتیازی نه می گذاشت. در دیدن مریض ها و رفتن به خانه های شان هیچ گونه طمع و توقع و شرایط خاص نداشت از نا پاکی و گل آلودگی و کثافت راه و دوری منزل حرفی در بین نبود. مراجعین وی محض مریض های عقلی و عصبی نبودند، هر مریض با هر شکایتی که نزد وی مراجعه میکرد میگوشتد به هر نوعی که باشد با مریض و مریض دار کمک و استعانت برساند. چون شهریان کابل از طرز پیشامد محمودی در مورد غربا و ثروتمندان آگاه بودند پولدار ها یا اینکه به وی مراجعه نه می کردند یا اینکه از اول مرحله قبول میکردند هر مقداری که فیس وی باشد بپردازند و اکثر هم پیشکی می پرداختند. دکتر از اول به آنها می گفت که این پول و پرداخت اضافی برای جیب شخصی من نیست این همه برای تداوی مردم نادار و بی بضاعت به مصرف میرسد، مردم این گفته ها را به چشم سر مشاهده میکردند و بعضی ها اضافی هم استعانت می ورزیدند. شخصیت های بر سرکار دولتی زیاد تر نزد وی برای تداوی می آمدند، وی دکتر فامیلی بسیاری از فامیل های سرشناس و شناخته شده و کاردار دولت بود. وی برای مردم نادار یک تعداد بستر ها را تهیه کرده بود که کسانی که از اطراف می آمدند و جای شب گذرانی نداشتند بستر می داد و هم مریض های نادار را تا پایان تداوی شدن در آن جایگزین می ساخت. دکتر

10 - سیر حرکت جنبش روشنفکری در افغانستان ۱۹۰۰-۱۹۷۳، سایت (روزنامه پیمان)

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د بانيو شمير ه: له 8 تر 11

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

Kommentiert [EL1]:

Kommentiert [EL2R1]:

محمودی پیوسته از ادویه فروشی زین العابدین خان که در جوار معاینه خانه قرار داشت بدهکار بود چه وی برای مریض های نادار پول دوی شان را از حساب خود تادیه میکرد»¹¹

در جایی دیگر بهروز می نویسد: « به یاد دارم که پیش از انتخابات دوره هشت نور محمد تره کی نزد داکتر صاحب به خانه آمد و نان شام را با هم صرف کردیم، تره کی موقع چای نوشیدن به داکتر صاحب گفت که وقت رفتن برای انتخابات است باید به وطن بروم و خود را کاندید نمایم. داکتر گفت که موفقیت ترا می خواهم، او جواب داد که انتخابات قریه و ده و اطراف مانند شهر کابل نیست که یک روز همه می آیند و رای میدهند و وکیل انتخاب میشود، در جای ما چند روز قیل باید با مردم مشاوره و مذاکره گردد و به آنها چای و نسوار تعارف گردد، نان و آبی خورده شود و بعدا مردم برای دادن رای حاضر میشوند ولی من پول مصرف نسوار و چای و نان و آب را ندارم شما به من چند هزار قرض بدهید تا بعد از انتخابات من آن را به تدریج مسترد کنم و داکتر صاحب به امان الله برادر خود گفت، ببین چه مقدار پول در خانه است برای تره کی صاحب بیاور، امان الله پس از چند دقیقه چند هزار افغانی آورده به داکتر صاحب داد و او به تره کی عنایت فرمود، تره کی رخصت شد. چندی بعد طبق معمول در معینه خانه داکتر صاحب محمودی بودیم



که سرو کله تره کی پیدا شد. در معاینه خانه هم مانند همیشه ازدحام و بیر و بار مراجعین بود. داکتر صاحب از تره کی پرسید موفقیت ها از چه قرار است ؟ تره کی جواب داد . همین که من زنده اینجا نزد شما رسیده و نشسته ام بزرگترین موفقیت است. رای دهندگان پس از چند روز خورد و نوش یکی از ایشان به من گفت که هر چه زود تر از اینجا برگردم و گر نه دیگر کاندید ها علیه تو دسیسه دارند که موجب قتل تو خواهد شد بهتر است هر چه زود تر از این جا خفیه به کابل برگردی ، من جان خود را نجات داده برگشتم. داکتر محمودی گفت تو که برای هواخوری نه رفته بودی تو برای مبارزه با حریفان رفته بودی در مبارزه با موفقیت و کامیابی است یا شکست و ناکامی، اگر آنها حقیقتاً در مرگ تو اقدامی داشتند گرچه من یقین دارم که چنین چیزی نبوده باز هم مردی که در میدان مبارزه در آمد یا کشته می شود یا می کشد و بهتر بود که تو مانند مردان در میدان مبارزه کشته می شدی نه این که نا مردانه پشت گرداندی و فرار را بر قرار ترجیح دادی. تره کی در جواب گفت: هر کس داکتر محمودی نیست و هم هیچکس داکتر محمودی شده نه می تواند.»¹²

داکتر محمودی در عقب میله های زندان دهمزنگ

دستگیر پنجشیری می نویسد که داکتر محمودی در زندان سازمان دیگری را به نام « گوند مردم » تأسیس کرد. « این سازمان به صورت سری فعالیت می کرد. در رهبری این سازمان و آتش زیر خاکستر ، هفت تن از ادامه دهندگان سنن پر افتخار مبارزات محمودی قرار گرفته بود. امان محمودی ، داکتر حسین بهروز ، استاد محسن صحرایی ، داکتر مصلح، داکتر رحیم محمودی، داکتر هادی محمودی و موسی نهمت از رهبران برجسته گوند مردم (حزب مردم) بوده

¹¹ - دکتور حسین بهروز.

¹² - دکتور حسین بهروز- آزاده ای بر بلند ای معرفت و شجاعت - سایت انترنتی آرپاتی

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 9 تر 11

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنيزې ښې پاڼووالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

اند. داکتر عبدالرحمن محمودی از طریق همین حلقه از هواخواهان ، همفکران و شاگردان، پیوند خود را با جامعه ، جنبش و نسل نوین مبارزان انقلابی تقویت می کرد.¹³

حسین بهروز در جای دیگر نوشت: « پس از رهایی سایر محبوسین، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ،عبدالحکیم خان شاه عالمی والی کابل، دین محمد خان دلاور قوماندان امنیه و معاون وزارت دربار را نزد داکتر محمودی فرستاده پیغام کرد که پست وزارت صحیه برای وی تعویض می گردد. باید درخواستی بنویسد تا اعلیحضرت آنرا صحه بگذارد. محمودی در جواب اظهار کرد که مبارزه وی برای چوکی و مقام نبوده و نخواهد بود و او هیچگونه درخواستی در زمینه نه می نویسد. هینت از نزد شاه دوباره آمده پرسید که اعلیحضرت علاقه دارد بدانند که داکتر محمودی چه می خواهد ؟ داکتر محمودی در جواب گفت که سیستم مطلق العنانی به مشروطیت واقعی تبدیل گردد و دموکراسی حقیقی نه دروغی در مملکت پیاده شود، بلافاصله وزارت خارجه و داخله به شخصیت های غیر خاندانی سپرده شود. شاه در راس همه بحیث سمبول ملی قرار داشته باشد ، قانون اساسی تجدید گردد. باقیمانده زندانی های « باشه!» دوران هاشم خان بلا استثنا آزاد گردند.»¹⁴

داکتر عبدالرحمن محمودی بعد از 9 سال زندان در حالی آزاد شد که رمقی در زندگی برایش نمانده بود، گویند دژخیمان زندان مرکبات سیماب را در غذایش آمیختند تا به حیات او خاتمه دهند و دولت از فریاد و اعتراض يك آزادی خواه نستوه و مقاوم نجات یابد یک هفته بعد از رهایی در (21 اکتبر 1961م) به عمر 52 سالگی، پرود حیات گفت. در وفات محمودی دولت امر اکید داد که بجز خویشاوندان در مراسم تکفین کس دیگری اشتراک نه ورزد. باز هم تعداد زیادی از مردمان در تشییع جنازه اشتراک کردند و با چشمان اشک آلود و دل پر خون در شهادی صالحین وی را به خاک سپرده جسما برای ابد با وی تودیع کردند.

آثار داکتر عبدالرحمن محمودی:

از دکتور محمودی بغیر از مقالات متعدد مثل - "عذر معقول و برهان قاطع اما استعفا از ترس مسوولیت که اکنون مد نشده است" - "راه نجات و چاره درد ما چیست؟" - "معنی آزادی در حکومت خلق" - "نامه از داکتر عبدالرحمن محمودی زندان دهمزنگ کابل، مورخ ۲۶ دلو ۱۳۳۳" که در جراید زمان به شمول "ندای خلق" نشر شده بود پارچه اشعاری هم بجا مانده است.

داکتر اکرم عثمان از قول داکتر محمدحسین بهروز می گوید:
"داکتر محمودی تالیفات زیادی دارد از جمله کتاب:

فوتوی یکی از شماره های جریده ندای خلق

با استفاده از وبسایت هبستگی



¹³ - دستگیر پنجشیری - ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق افغانستان - پشاور 1377/1999 ص 124 .

➤ ¹⁴ - دکتور حسین بهروز

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 10 تر 11

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په خيږ و لولئ

➤ "افغانستان و شاهنامه". محمودی در آن اثر ضخیم کوشیده است که اعلام جغرافیایی مربوط افغانستان را در شاهنامه فردوسی نشان بدهد... این کتاب برنده جایزه معتبر مطبوعاتی نیز شده بود.

➤ کتاب دیگری داکتر محمودی در زمینه اقتصاد سیاسی است که در بیشتر از یک هزار صفحه نوشته شده و امان الله محمودی برادر داکتر محمودی آن کتاب را در چند نسخه تایپ کرده است.

➤ او کتاب ارزشمندی دیگری در رشته طب و بیماری های عقلی و عصبی¹⁵ نیز نوشته بود.

اما شور بختانه، هیچ یک از آثار او تا هنوز امکان نشر نیافته.

¹⁵ - داکتر محمداکرم عثمان، نهضت مشروطه خواهی افغانستان (قسمت شانزدهم)، سایت زندگی